

در روزهای پس از بروز یک حادثه، کودکان به حمایت و مراقبت بیشتری نیاز دارند. ممکن است خیلی بترسند و فشار زیادی به آنها وارد شده باشد.



**فرزند حسین علیزاده آلبوم می‌دهد**

نخستین اثر مستقل صبا علیزاده در فضای الکترونیک و الکترو-آکوستیک منتشر می‌شود. آلبوم «یادهای پراکنده» به آهنگسازی صبا علیزاده ۲۵ آبان در خانه موزه بهتوون رونمایی می‌شود. این آلبوم در فضای موسیقی الکترونیک و الکترو-آکوستیک ساخته شده و شامل ۱۰ قطعه است که هر یک روایتگر داستانی متفاوت خواهند بود. «خونین شهر»، «رؤیا»، «تنگ ما را در تهران یافتند»، «من رو یاد تو موند»، «هر ثیامی برای آب»، «خطرات پراکنده»، «بن بست لادن»، «تپ»، «سلام بر خاک» و «سیتال» قطعات نخستین آلبوم مستقل صبا علیزاده را تشکیل می‌دهند. صبا علیزاده آلبوم یادهای پراکنده را تابلوهایی متمایزی می‌داند که یک نقاش مشترک دارند.

**هیجان انگیز**

**خوش به حال «نامبرده»**

**نیره خادمی** | باید کارگردان خوش شانس و اقبالی باشید تا نگار جواهریان بازیگر کار نمایش شما باشد، وقتی جوهر اسمش روی پوستر تئاتر می‌افتد، خیر و برکت از در دیوار جهان برایتان می‌بارد. می‌پرسید چرا؟ البته در این نوشته از کیفیت بازی نگار جواهریان فاکتور می‌گیریم اما به هر حال او همسر یکی از سلبریتی‌های خوش خند صدا و سیماست. برنامه «خندوانه» را امید جوان یکی از معهود برنامه‌هایی است که در این چندسال توانسته به یکی از محبوب‌ترین و پر مخاطب‌ترین برنامه‌های شبکه نسیم تبدیل شود. صفحه اینستاگرام امید جوان هم با بیش از ۸ میلیون فالوور، نشان دهنده بالابودن محبوبیت او در میان سلبریتی‌هاست. بنابراین وقتی او پوستر یک تئاتر یا فیلم را در صفحات شخصی خود به نمایش می‌گذارد، می‌تواند دل کارگردان‌ها را هم به دست بیاورد البته، خود امید جوان دستی بر آتش دارد، هم تهیه‌کننده است و هم کارگردان و غیره و غیره... بسا این حال، محبوبیت صفحه اینستاگرام او در سال‌های گذشته به حدی رسیده که تیزر تبلیغ یک برند روغن نباتی را هم در آن آپلود کرد.

همه اینها گفته شد تا در نهایت به این جمله‌ها برسیم؛ خوش به حال تئاتر «نامبرده» که این روزها با گوش تا گوش مخاطب، در سالن استاد سمندریان در حال اجراست و بلیت روزهای آتی آن هم فروخته شده است. صد البته که این تئاتر، کارگردان خوبی چون علی اصغر دشتی دارد و سلبریتی‌های دیگری هم در آن نقش دارند اما در همین شرایط تئاتر حرفه‌ای و خوب دیگری هم در سالن روی روی همان سالن، به نام «حریق» و با کارگردانی افروز فروزند در حال اجراست اما از اقبال زیادی برخوردار نشده است. شاید آنها هم توجه امید جوان را داشتند، می‌توانستند لافل در این روزهای بی‌رقم سالن را پر کنند. البته امید جوان هیچ دوست ندارد وارد توضیح درباره این مسائل شود.

شهریور امسال وقتی او در نشست خبری اش، برای تبلیغ گزینشی تئاترها در خندوانه مورد پرسش خبرنگاران قرار گرفت، این‌طور پاسخ آنها را داد: «حوصله جواب‌دادن به این سوال را ندارم، مادر «خندوانه» فرهنگ به تئاتر رفتن را تبلیغ می‌کنیم و حتی در برنامه بلیت تئاتر به حاضران هدیه می‌دهیم.»



**خبر**

**آخرین پست رسول خادم هم پرید!**

با این که تصور می‌شد با کناره‌گیری رسول خادم از ریاست، زمان زیادی برای انتخاب سرمربی جدید تیم ملی صرف شود، بنی تیم، سرپرست جدید فدراسیون در این کار اصلاً درنگ نکرد و غلامرضا محمدی را به عنوان جایگزین وی منصوب کرد. نکته قابل توجه این است که ۶ سال قبل محمدی از هدایت آزادکاران کنار رفت و خادم جای او را گرفت و همین امر اختلافاتی را پدید آورد. حالا محمدی جای خادم را گرفته است. سرمربی جدید کشتی آزاد گفت: «برای این که هدایت تیم ملی را قبول کنم، از رسول خادم رخصت گرفتم، من نمی‌خواهم به گذشته برگردم و آن اتفاقات برایم مهم نیست.»



**عبدالرضا کاهانی همچنان خبر ساز و جنجالی؛ توهین به جای توقیف**

**هجوم مردم عصبانی به خانم یایا**

**پولاد امین** | ظاهراً مخاطبان سینمای ایران تغییر کرده‌اند. سال‌ها می‌شد تماشاگران سینمای ایران هر آن چه صلاح دیده می‌شد، تماشا می‌کردند و دم بر نمی‌آوردند اما انگار دم دست بودن هزاران فیلم و سریال روز و البته آزادی ذاتی موجود در فضای مجازی نسیم سخت‌پسندی را در وجود آنها وزانده و در نتیجه تماشاگران امروز را بدل به تماشاگرانی کرده که به آسانی راضی نمی‌شوند.

ماجرای فیلم لس آنجلس تهران آغاز شد؛ کمدی تینا پاکروان که از همان نخستین روزهای اکرانش با انتقادهای تند و تیزی روبه‌رو شد، چنان که صدای پرویز پرستویی و مهناز افشار هم درآمد.

از آن روزها دور نشده بودیم که این اتفاق برای خانم یایا هم رخ داد. فیلمی بابای رضاعطاران، امین حیایی و حمید فرخ‌نژاد که گفته می‌شود شکست خورده تاریخ ساز امسال است.

**خانم یایا در دسرساز**

عبدالرضا کاهانی به این فیلم خیلی امیدوار بود. در واقع این کارگردان بعد از این که سه فیلم آخرش نتوانستند رنگ پرده را ببینند «ماشما را دوست داریم خانم یایا» را ساخت. عکس‌هایی که در زمان ساخت فیلم منتشر می‌شد نوید فیلمی مفرح را می‌داد و گفته می‌شد کاهانی این فیلم را ساخته تا ضررهای مالی سه فیلم نامکش را جبران کند.

از سر و شکل فیلم چنین برمی‌آمد که خانم یایا اکثراً بی‌دردتر از دیگر فیلم‌های کاهانی خواهد داشت. در آغاز هم این اتفاق افتاد و خانم یایا که با مجوز ویدیویی ساخته شده بود، بی‌حاشیه و بی‌دردسر پروانه نمایش گرفت. این اما آغاز در دسرها خانم یایا کاهانی بود. او که پیش‌تر مدام با مدیران سینمایی درگیر بود و اتفاقاً از طرف مخاطبان حمایت می‌شد، این بار که راحت‌تر از همیشه موانع اکران را پشت سر گذاشته، با انتقاداتی روبه‌رو شد که هیچ فیلم دیگری در سینمای ایران تجربه‌شان نکرده‌است.

**حماسه‌ای دیگر**

از همان روز که خانم یایا روی پرده آمد، جودمغنی بی‌سابقه‌ای علیه این فیلم درست شد. به گزارش خبر آنلاین حدود ۹۵ درصد تماشاگران این فیلم ناراضی از سالن بیرون آمده‌اند این باعث شده است که حجم زیادی از انتقادات و اعتراضات به خصوص در فضای مجازی به سوی این فیلم روانه شود. این انتقادات هم در کوتاه‌مدتی جای خود را به کامنت‌های ابدار توهین آمیز دادند تا حماسه‌سازی مجازی ایرانیان یک مثال تاریخی دیگر هم داشته باشد.

در چند روزی که از نمایش این فیلم گذشته، فضایی که علیه این فیلم ساخته شده بی‌سابقه است. برای درک بهتر عمق فاجعه کافی است سری به صفحه کارگردان و بازیگران این فیلم بزنید. صفحات سازنده و بازیگران این فیلم پر است از اعتراضات و انتقادات بالحن نامناسب، درشت‌گویی و ناسزاگویی و البته اتهامات ریز و درشتی که در کامنت‌های مخاطبان به سازندگان فیلم وارد شده است. عده‌ای حتی تهیه‌کننده و کارگردان خانم یایا را متهم به کلاهبرداری کرده‌اند. انتقادهای صفحه کاهانی بیشتر از بقیه است و البته لحن تندتری هم دارند. در میان بازیگران فیلم هم رضا عطاران بیشتر مورد انتقاد واقع و متهم شده که تنها به خاطر پول و درآمد بیشتر حاضر شده در یک اثر ضعیف بازی کند. حمید فرخ‌نژاد اما کامنت پست‌های مربوط به این فیلم را بسته و وقتی این کار را در کنار پست چند روز قبل او در دفاع از این فیلم قرار دهیم که خطاب به منتقدان گفته بود «خانم یایا کمدی نیست» معلوم می‌شود که حق داشته و گر نه صفحه او هم از ناسزاها و انتقادهای تند پر می‌شد.

**مردم چه می‌گویند؟**

کامنت‌های مخاطبان تنوع زیادی دارد و موارد مختلفی را شامل می‌شود. بعضی از کاربران ادعای کمدی‌نودن این فیلم را زیر سوال برده‌اند؛ که قصدتون از فیلم خانم یایا هر



**حاشیه‌های ناتمام آقای سرمربی!**

◀ سرمربی تیم ملی وزنه‌برداری بعد از ماجرای فحاشی به یک خبرنگار جنجال دیگری رقم زد  
**او این بار - ناخواسته - پرده گوش شاگردش را پاره کرد! بر خواه ظاهر امی خواهد دیه براری را هم بدهد**

**بر خواه باید دیه بدهد؟**

با این که محمدرضا براری از سرمربی تیم ملی به خاطر عدم رسیدگی مناسب در عشق‌آباد بعد از پارگی پرده گوشش انتقاد کرده، محمدحسین برخواه می‌گوید از شاگردش خواسته او را حلال کند: «من به براری سر زدم و از او حلاوت طلبیدم. حتی به او هم گفتم که از لحاظ شرعی با یاید من را حلال کند یا دیه پرداخت کنم. البته قطعاً من تعدادی در این کار نداشتم و دوست داشتم براری با شرایط خوبی روی صحنه مسابقات برود اما درامش را باید از طریق متخصصان این کار پیگیری کند. باز هم عذر خواهی می‌کنم، ان شاءالله که مشکل خاصی برای او پیش نیامده باشد.»

**تکلیف گوش براری چه خواهد شد؟**

این وزنه‌بردار با تجربه که رابطه خوبی در ماه‌های اخیر با سرمربی تیم ملی نداشته، با این اتفاق بیشتر از قبل از دست برخواه عصبانی است. با این که عمدی در رخ دادن این اتفاق نبوده اما براری می‌گوید با حرکت برخواه هم مدال جهانی را از دست داده و هم نقص عضو شده است. این وزنه‌بردار ملی‌پوش دیروز در فدراسیون پزشکی ورزشی حاضر شد تا معاینات دقیق روی گوش او صورت بگیرد؛ اگر چه پارگی پرده گوش او پیش از این توسط پزشکان در عشق‌آباد تأیید شده بود. نوروزی، رئیس فدراسیون پزشکی ورزشی هم بعد از معاینه گوش براری از پیگیری درمان او توسط متخصصان گوش، حلق و بینی خبر داد. حالا مشخص نیست برای رفع این آسیب‌دیدگی ملی‌پوش وزنه‌برداری نیازی به جراحی دارد یا خیر.

انتقاد قرار گرفت و سپس در راه بازگشت از جاکارتا در فرودگاه مالزی با یکی از شاگردانش درگیری لفظی پیدا کرد. با شروع دوباره اردوها کنار گذاشتن زندگی وزنه‌بردار از تیم ملی مثل علی مکنوندی باعث ایجاد حاشیه‌هایی برای برخواه شد و حالا یک اتفاق تلخ در عشق‌آباد همه را شوکه کرده است.

**سرمربی پرده گوشش را پاره کرد!**

یکشنبه شب تیم ملی وزنه‌برداری بعد از کسب مقام سومی جهان به تهران بازگشت که در این میان چهره یک وزنه‌بردار کاملاً در هم بود. محمدرضا براری که در دسته ۹۰ کیلوگرم به مقام ششم رسید و عملکرد قابل قبولی هم نداشت، از یک اتفاق عجیب پرده برداشت: «در حالی که می‌خواستم برای حرکات دوضرب روی تخته بروم، برخواه ضربه‌ای را به صورت من زد تا مثلاً آماده‌تر شوم! در همین حین پرده گوش من پاره شد و همان لحظه هم حس خیلی بدی داشتم. این اتفاق باعث شد وقتی برای حرکات دوضرب روی تخته رفتم، سر گیجه داشته باشم و اصلاً نتوانم عملکرد خودم را به نمایش بگذارم. غیر از این بود، مطمئن باشید می‌توانستم مدال بگیرم.»



**شهروند!** | با این که تصور می‌شد سرمربی تیم ملی وزنه‌برداری با کسب عنوان سومی جهان به جنجال‌های ماه‌های اخیر پایان داده، یک اتفاق تلخ او را بار دیگر وارد حاشیه عجیبی کرد. سبلی برخواه به صورت شاگردش در عشق‌آباد پارگی پرده گوش ملی‌پوش وزنه‌برداری را به همراه داشته؛ اتفاقی که حالا سرمربی تیم ملی می‌خواهد برای آن دیه پرداخت کند!

**جنجال‌های ادامه‌دار آقای سرمربی**

محمدحسین برخواه که کمتر از یک‌سال است هدایت تیم ملی وزنه‌برداری را برعهده گرفته، هر چقدر سعی کرده از دید رسانه‌ها و مردم دور باشد، بیشتر وارد حاشیه شده است. او که حتی قبل از مسابقات جهانی دره‌های تیم ملی را به روی همگان بست، در چندماه اخیر با حاشیه‌های زیادی مواجه شده و آخرین آن می‌تواند تبعات بیشتری برایش داشته باشد. او در حین برگزاری بازی‌های آسیایی به خاطر توهین به یک خبرنگار مورد

**تربیون**

**یحیی گل محمدی**



«بالاخره بازی با استقلال حقت تیم ما بود و حق هواداران زمانی که شایعه لغو بازی به گوش ما رسید، با سازمان لیگ تماس گرفتیم و آنها اعلام کردند که ۱۰۰ درصد بازی برگزار می‌شود، اما درست روز قبل از تعطیلات آخر صفر اعلام کردند که بازی لغو شده است. هنوز سازمان لیگ در این خصوص شفاف‌سازی نکرده است. من باید از استاندار خراسان رضوی برای پیگیری این موضوع تشکر کنم. طبق صحبت‌ها و رایزنی‌های روزی انتظامی هیچ مشکلی برای برگزاری این بازی نداشته‌است، حالا این وسط سوال پیش می‌آید که چه کسی به خود اجازه داده تا اقتدار نیروی انتظامی را به خاطر یک فوتبال زیر سوال ببرد؟»



**شایان مصلح**: «شرایطی که ما از نظر نفر واقعاً شرایط عجیبی است. محمدانصاری هم که مصدوم شد و با یک کمان می‌بازد، ما به دلیل فشار مسابقات

یکی یکی مصدوم و محروم می‌شوئند و واقعاً نظر بازیکن دچار مشکل هستیم و کم آوردیم. در لیگ قهرمانان آسیا نماینده ایران بودیم و انتظار همکاری داشتیم و حالا که بازی‌های ما عقب افتاده، نمی‌خواهیم به ما امتیاز تقدیم کنند بلکه خواستار این هستیم که بازی‌ها به گونه‌ای انجام شود که حداقل ۱۱ بازیکن برای فرستادن به زمین داشته باشیم؛ ما انتظار حمایت بیجان داریم و فقط خواستار این هستیم زمانی برای ما بازی بگذارند که ۱۱ بازیکن داشته باشیم. از هر طرف امسال به پرسپولیس فشار آمد و فقط خواستار برنامه‌ریزی مناسب هستیم.»



**سروش مصلح**: «در اصفهان مدرم دبیر آموزش و پرورش بودم من مجبور بودم از صبح تا عصر در کتابخانه کانون کتاب بخوانم، بخوابم و حتی غذا بخورم و باید سسر خودم را با کتاب‌ها گرم می‌کردم. پس از آن، در سال‌های دانشجویی در کرمان، هم وقت خود را در کتابخانه می‌گذراندم.»



**امیر موری**: «من هرگز تارانتینو را یک احمق و فیلم‌هایش را اشغال توصیف نکردم و اصلاً چنین مصاحبه‌ای نداشتم. از کیلم در ایتالیا خواستم اقدامات قانونی لازم را در این مورد انجام دهد. پیش از این در لندن و در یک کنفرانس خبری در مقابل خود تارانتینو به صراحت گفتم که وی یکی از بزرگترین کارگردانان تاریخ است و برای همیشه از این که فرصت ساخت موسیقی فیلمش را به من داده، قدر دان او هستیم.»

**رویداد**

**خواننده «آمریکا، آمریکا» ننگ به فیرنگ تو» ساکن تیریز است**

به گزارش خبرنگار ایلنا، اسفندیار قرباغی (خواننده) نامش و شهرتش با سرود «آمریکا، آمریکا، ننگ به فیرنگ تو» گره خورده است، سرودی که موسیقی‌اش را احمدعلی راغب ساخته و شعرش سروده حمید سبزواری است. او ضمن تکذیب شایعه اقامت در آمریکا گفت به حال «آدم‌های بدبخت و بیچاره» که این خبر را منتشر کرده‌اند، متأسف است. قرباغی روز یکشنبه ۲۰ آبان در گفت‌وگو با رادیو ایران گفت: من مدتی است از تهران کوچ کرده‌ام و در تبریز ساکن شده‌ام. من امروز ۲۰ آبان سال ۱۳۹۷ در هوای ابری و لطیف تبریز در حال زندگی هستم.

